



سفرنامه مهندس عبدالله، به کوشش دکتر سیروس آرین پور، نشر کندوکاو، تهران، ۱۳۸۹.

مقدمه

در یکی از صفحات کمتر افتخارآمیز تاریخ معاصر ما آورده اند که : در سال ۱۳۱۷ هـ ق ، مظفرالدین شاه قاجار به فکر می افتد به فرنگستان سفر کند ، جاذبه های سحرآمیز آن او را به خود فراخوانده بود . ولی خزانه خالی بود . سال موش بود . سیچقان نیل . سال قحط و برباد رفتن سرمایه ها و و عسرت و نکبت فزاینده !

صدراعظم وقت ، امین السلطان ، برای تدارک سفر شاه ، از بانک شاهنشاهی ایران که انگلیسی ها تأسیس کرده بودند و خود آن را اداره می کردند ، درخواست وام کرد . بانک به این درخواست جواب رد داد . شاه او را عزل کرد و میرزا علی خان امین الدوله را به جای او نشانده ولی امین الدوله با سفر شاه موافق نبود. شاه برکنارش کرد و امین السلطان را از قم به تهران فراخواند و بار دیگر به مقام صدراعظمی برگمارد . امین السلطان ، از بانک استقراضی ایران ، که سهامدار آن دولت روسیه بود، بیست و دو ونیم میلیون منات طلا ، (برابر با سه میلیون و چهارصد و سی و نه هزار لیره انگلیسی) با بهره ۵ درصد و ضمانت بازپرداخت وام از محل عواید گمرکات ایران ، به استثنای فارس و بنادر جنوب وام می گرفت و به این ترتیب هزینه های مسافرت شاه تأمین گردید و اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری عازم سفر خیریت اثر فرنگستان شد .

سفرنامه ای که به دست دارید ، نوشته عبدالله مهندس نظامی و شهری است، که پیش از حرکت مظفرالدین شاه به سوی فرنگ، به دستور شاه و با حکم امین السلطان، مأمور شده بود برود « برای ساختن پل فوری قزل اوزن و سایر پل های کوچک عرض راه آذربایجان و رفع معایب و موانع عبور عرابه های اردوی کیوان شکوه در آن سامان . »

وزیر وقت علوم، ضمن ابلاغ کردن حکم این مأموریت به عبدالله مهندس از او خواهش می کند که « سبک و شیوه مخصوص مسافرت خود را با نقشه کامل آن تهیه ببیند، که علاوه بر ضمیمه شدن به سفرنامه اقدس همایونی، در کتابخانه جات دولتی ضبط شده و یک زمانی منتج به نتایج بزرگ و نیکنامی سترگ برای وی خواهد بود.»

مهندس عبدالله، مأموریت خود را در انجام « تکالیف مهندسی » اش در ۲۱ ذی القعدة آغاز می کند و در ۱۸ محرم سال بعد به پایان می برد و به مقتضای قولی که به وزیر علوم داده بود، کار پر زحمت سفرنامه- نویسی و برداشتن نقشه راه را نیز به انجام می رساند. این سفرنامه و نقشه پیوست آن، ره آورد سفر پنجاه و هفت روزه اوست از دارالخلافه تهران تا کناره رود ارس.

متن مخلوط، کتابچه ای است هفتاد و پنج برگی، با کاغذ فرنگی، در ابعاد بیست در دوازده و نیم سانتی متر، که بر روی هر برگ در یکصد و پنجاه صفحه قلمی شده است، با جلد مقوایی قرمز اخرايي و عطف زرد رنگ. نه صفحه از متن به طرح هایی مزین است که مؤلف از گنبد سلطانیه و پل قزل اوزن و سایر ابنیه و آثاری که در مسیر نظرش را گرفته، با قلم سیاه کشیده است.

این طرح ها و نقشه رنگی پیوست به سفرنامه که از « خط حرکت اعلیحضرت قدر قدرت شهریار » ترسیم کرده است، بر تک نسخه بودن متن گواهی می دهند. ابعاد نقشه شصت و یک در هشتاد و هفت سانتی متر است و در بیست و یک قطعه جداگانه ترسیم و سپس روی پارچه به هم چسبانیده شده است.

به نظر هنرمند و هنرشناس هم روزگار ما آیدین آغداشلو « نقشه در حد بالای نقشه های ترسیم شده زمان مظفرالدین شاه قاجار است » و نقاشی ها کار کسی است که در طراحی دستی به قلم دارد ولی نقاش حرفه ای نیست « گزارش با خط نستعلیق پخته و خوشی نوشته شده است، نوع خطی است که اشراف و نخبگان دوره قاجار در همین حد می نوشتند، اما کار یک خوشنویس حرفه ای نیست.

مهندس عبدالله، از نخبگان و اعیان زاده های آن عصر است. پدرش در عهد ناصری در حکومت اسداله خان، خالوی شاه شهید (در مازندران شاید؟) مقام وزارت داشته، مادرش علی آبادی بوده (شاهی بعدی و قائم شهر امروز) و خودش به احتمالی زاده و پرورده منطقه مرکزی ایران است که آن روزها عراق و یا جبال خوانده می شد و تهران نیز در آنجاست. ولی هنگام عزیمت به آذربایجان، نزدیک به پنجاه سال از عمر شریف اش می گذشته، و تصریح دارد که از بیست و هفت سال پیش از آنجا به خدمت گذاری دولت و « نوکری دیوان » اشتغال داشته است. « و در این مدت بیست و هفت سال در تمام نقاط ایران، به جز آذربایجان قدم زده و مأموریت حاصل کرده و با حکام بزرگ و کوچک مأموس و محشور بوده » است و از جمله یک سال و نیم در خدمت ظل السلطان در اصفهان گذرانده و در طول مدت نوکری دیوان « تمام در سرحدات و داخله مملکت مشغول خدمت بوده » و از آن وقت تا به حال نشده است که سه ماه متوالی در خانه خود بماند.

این مرد بزرگوار که از اولین نمونه های « کارمندی » و « مستخدمی » دولت در نظام اداری ایران در عصر جدید است، بنا بر حدس فاضل ارجمند، استاد ایرج افشار « به مانند مهندس حاجی محمد میرزا قاجار، مهندس ذوالفقار خان کرمانی، مهندس سلیمان خان، مهندس بغایری و نظایر آنان که با نقشه کشی و مهندسی نظامی آشنایی داشته اند از تحصیل کردگان دارالفنون است. »

دوره مهندسی نظامی و شهری در دارالفنون شش سال بود و شاگردان در سال سوم و چهارم نقشه کشی می آموختند.

مهندس عبدالله (یا آن طور که رسم قدیم بود و عنوان اشخاص را به دنبال نامشان ذکر می کردند، عبدالله مهندس) پس از پایان تحصیل به خدمت دولت در می آید و در کار خود کسب شهرت و اعتبار می کند و به عنوان مهندسی کارآموده، در بین خواص زبانزد بوده. وی سوای توانایی حرفه ای، به جهت برخی قابلیت های فری از نوادر آن عصر و از نخبگان متجدد روزگار خویش است. تحصیل کرده دارالفنون است، فرنگ دیده است و در سفر سوم ناصرالدین شاه جزو همراهان او بوده، یک زبان خارجی می داند، عربیت و ادبیت بدی ندارد، خطی پخته و خوش می نویسد، در طراحی دستی به قلم دارد و در نقشه کشی چیره دست و ورزیده است ، و در کنار همه این ها از خود اثری به یادگار گذاشته است خواندنی و ماندگار. این سفرنامه شش سال پیش از پیروزی انقلاب مشروطیت نوشته شده و تصویری به دست می دهد از حال و هوای غالب بر شهرهای مهم و برخی روستاهای آذربایجان در آن دوره حساس تاریخی. و نیز از « وضع کلیه رفتار حکام و بیان حال کلیه انام و عوام هر بلدی» به قدر آنچه در آن ایام اندک مسافرت ممکن بوده است .

به سال ۱۲۷۹ هجری شمسی (۱۹۰۰ میلادی) کار نوشتن و ترسیم نقشه پیوست به آن، در تبریز پایان یافته و به احتمال زیاد در همان جا به حاکم وقت آذربایجان، نظام السلطنه مافی داده شده.